

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ • ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۷ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۶۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۷:۲۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

شترت

دیالوگ روز

اشباح گویا - میلوش فورمن - ۲۰۰۶

کشیش لورنزو (خاویر باردِم)، شما از خدا می‌ترسید آقای گویا! ترس از خدا مانع از این خواهد شد که به چیزی دروغ اعتراف کنید.

گویا (استلان اسکاگورد): ولی اگه درد بنونه عقل منو ضایع کنه چی؟ اگه ترس من از درد، عمیق‌تر و بزرگ‌تر از ترس من از خدا باشه چی؟

کشیش لورنزو: اگه بی‌گناه باشید خدا بهتون کمک می‌کنه تا درد را تحمل کنید.

پدر دختر زندانی (مانوئل دیلاس): جناب کشیش ... تا حالا شده از خود شما اعتراف بگیرند؟ مطمئنید به شما این صبر و نرو داده خواهد شد؟

گزارشی از پیگیری وضعیت هنرمندان بازداشتی

تلاش‌ها در مجموع نتیجه‌بخش بود

مراجعه به نهادهای امنیتی و چه جلسات متعدد با مسئولان قضائی، به آزادی تعداد زیادی از بچه‌ها منجر شد. این همراهی فارغ از این بود که چه کسی به کدام رشته هنری تعلق دارد. ضمن اینکه جلسات متعددی نیز با خانواده‌ها برای رفع نگرانی آنان برگزار شد. در میان بازداشت‌شدگان تعدادی از دانشجویان و فعالان هنری هم بودند که اگرچه رسماً عضو صنف نبودند ولی به‌عنوان یک همکار، پرونده و کار آنان نیز پیگیری و تلاش شد هیچ نامی از فهرست حذف نشود.»

روند پیگیری

او با ارائه توضیحی درباره روند پیگیری پرونده هنرمندان بازداشتی اضافه کرد: «شرط پیگیری این بود که در وهله اول به انحاء مختلف به ما اطلاع داده شود و دیگر اینکه بتوانیم یکی از اعضای خانواده را پیدا کنیم و با موافقت او پیگیر باشیم؛ چون ورود به این حوزه نیازمند رضایت خانواده‌ها بود. حتی مواردی داشتم‌ایم که خانواده تمایل به پیگیری ما نداشتند.» دادویی یکی از مشکلات پیگیری این پرونده‌ها را تنوع اتهام‌ها و نهادهای احضار و بازداشت‌کننده عنوان کرد و افزود: «وقتی افراد یا خانواده‌هایی تماس می‌گیرند و از دستگیری فردی خبر می‌دهند، از نظر آنها یک نفر بازداشت شده ولی وقتی کمیته پیگیری می‌کوشد مسئله را از منظر قانونی و حقوقی پیگیری کند، با انواع و اقسام پرونده‌ها و اتهام‌ها روبه‌رو است که باید ببیند برای هر یک از اینها چه کاری از دستش برمی‌آید و اینکه کمیته می‌تواند به آن پرونده خاص ورود کند یا در پیگیری آن مؤثر باشد یا نه. اینها همه نکاتی است که به پیچیده‌تر شدن ماجرا کمک می‌کرد. ضمن اینکه گاه تعداد بازداشتی‌ها یا اطلاعاتی که به ما می‌رسید، زیاد و کم می‌شد و جمع‌بندی این اطلاعات، کار شبانه‌روزی بسیار سختی بوده و هست. از طرف دیگر دلداری‌دادن و آرام‌کردن خانواده‌ها هم خود بخش عمده‌ای از سختی این ماجراست.» این مدرس تئاتر و سینما درباره دلیل بازداشت چهره‌ها و فعالان هنری توضیح داد: «همکاران ما به دلایل گوناگون بازداشت شده بودند؛ بعضی در فضای دانشگاه، برخی در اعتراضات خیابانی و تعداد زیادی هم به دلیل فعالیت در فضای مجازی.»

هر چه گمنام‌تر پیگیری بیشتر

دادویی تأکید کرد: «یکی از مواردی که برای کمیته پیگیری خانه تئاتر و نیز کارگروه مشترک هر سه خانه مطرح بود، این بود که اولویت و دلیل وجودی کارگروه، حل مسئله بازداشت همکاران و هنرمندان است، نه رسانه‌ای‌کردن ماجرا یا نمایشی‌کردن آن». عضو کارگروه مشترک پیگیری هنرمندان بازداشت‌شده اظهار کرد: «بچه‌هایی که بازداشت به سر می‌برند، همین که متوجه می‌شوند کارشان توسط دوستان همکار پیگیری می‌شود، خوشحال می‌شوند و این خوشحالی برای ما خیلی ارزشمند است، اینکه آنها بداندن صنف و همکاران‌شان پیگیر وضعیت و کار آنها هستند. ضمن اینکه در نظر داشته باشیم هر یک از کسانی که در بازداشت هستند، شرایط خاص خود را دارند. برخی شناخته‌شده هستند و بعضی جوان‌تر و گمنام‌تر. برای ما هیچ فرقی نمی‌کرد که فرد بازداشت‌شده به کدام یک از این دو گروه تعلق صنایع ملی ایران درآمد.

بی‌اف.گودریچ در ایران به کیان‌تایر تغییر نام داد. لاستیک‌های کیان‌تایر از محبوبیت بالایی در بسیاری از کشورها برخوردار بود که ازجمله دلایل آن می‌توان به این مورد اشاره کرد که در زمینه ساخت و طراحی ایران گذاشته‌اند در نهایت مسیب مرگ این برندها می‌شوند.کیان‌تایر که روزی نگین صنعت لاستیک‌سازی در خاورمیانه محسوب می‌شد، به سرنوشت شوم کارخانه‌های ایزکارافاده دیگر ازجمله هفت‌تپه، هیکو، داروگر و ده‌ها کارخانه بزرگ و قدیمی دیگر در کشور دچار شده است. اما این کارخانه‌ها چطور به این مرحله رسید؟

خرداد سال ۱۳۳۷ خوشبیدی بود که اولین کارخانه تایرسازی در ایران با سرمایه‌گذاری مشترک ایران و شرکت بی‌اف.گودریچ آمریکا تأسیس و در اسفند ۱۳۳۹ بهره‌برداری از آن آغاز شد. بنیامین گودریچ، کارآفرینی است که در سال ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۵۹ شمسی)، شرکت لاستیک‌سازی بی‌اف.گودریچ را در آمریکا بنیان نهاد. این شرکت در ساخت تایرهای تیولبس و بادی به وسیله کاتوجوهای مصنوعی و نخ‌های یائولنی ابتکار عمل خوبی را از خود نشان داد.

این کارخانه با هدف تبدیل به مهم‌ترین و نخستین قطب کارخانه تایرسازی در خاورمیانه با شعار تبلیغاتی «لاستیکی که معجزه می‌کند» پا به عرصه صنعت ایران گذاشت. کیان‌تایر بعد از سال ۱۳۵۴ با واگذاری سهام، خصوصی شد و در ده‌ماه سال ۱۳۵۵ کارخانه



● باغشی‌ها (خبانگران) حاملان سنت موسیقایی باغشی‌گری و شخصیت اصلی زندگی موسیقایی قوم ترکمن هستند. نوازندگان ترکمن با الهام از زندگی روزمره مردمان خود می‌نوازند و آموخته‌های خود را سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل می‌منتقل می‌کنند. عکس:راحله حصاری، ایرنا

یادداشت

از همراهی نا‌اعتراض

چندماهی است که کلمه اعتراض

و اعتراضات را زیاد می‌شنویم.

هر یک از ما در مقاطع مختلف و به شکل‌های گوناگون اعتراض کرده‌ایم، مطالبات و سطح آنها نیز با یکدیگر متفاوت بوده است.

اصولاً اعتراض از بدو تولد همراه انسان است و مراد از این اعتراض‌ها هم چیزی جز مطالبه وضع مطلوب در موضوعات مورد اعتراض نیست. من نه جامعه‌شناسم و نه آسیب‌شناس اجتماعی، اما می‌توانم به تجربیات خودم که منجر به اعتراض شده مراجعه کنم. در این جا به‌جای پرداختن به موارد جامع در این ارتباط، به یک نمونه موردی که خود در آن دخیل بودم، می‌پردازم. موضوع به بیش از یک‌سال‌ونیم پیش برمی‌گردد؛ زمانی که هنوز پشت دستم را داغ نکرده بودم و در کنار شهرداری

تهران به برگزاری دوره‌هی‌های کارتون‌یست‌ها و هنرمندان تجسمی کمک می‌کردم. نتیجه این همکاری، برگزاری هفت دوره عصرانه کارتون، یک دوره تهران‌کارتون، یک دوره جشنواره مترومیشن، دو دوره رویداد هنری زنان، نمایشگاه بزرگ آثار هنری شهری در خانه هنرمندان، نمایشگاه آثار هنری زنان و تعداد قابل توجهی ورک‌شاپ بود. بی‌شک جایی مثل شهرداری تهران از زیرمجموعه‌هایی مانند مترو نیازمند

فعالیت‌های هنری برای برقراری ارتباط با جامعه‌اند؛ زیرا ماهیت کار آنها در ارتباط مستقیم با مردم است. در این میان هنرمندان حلقه واسط بین مدیریت شهری و مردم هستند. در واقع وقتی شما به سمت معاونت فرهنگی و هنری جایی منصوب می‌شوید، مراد از این انتصاب، احتمالاً باید ایجاد ارتباط مؤثر با جامعه هنری و خلق آثار در ارتباط با حوزه فعالیت و انتشار آنها در جهت تأثیرگذاری بر مخاطبان باشد. در این میان، سیاست ایجاد بی‌کم‌ک‌ه اگر توانایی برقراری این ارتباط را ندارید، هنرمندان را منتقد و معترض خود نکنید و بدتر از آن، توانایی تأثیرگذاری هنرمندان را دست‌کم نگیرید. اگر چنین کردید، برخلاف آنچه به شما محول شده اقدام کرده‌اید. حال شرح مختصری از آنچه را گذشت، بازگو می‌کنم تا بدانید چگونه می‌شود از همراهان جدی خود، معترضانی جدی‌تر و شاکی‌تر بسازیم. با توجه به برگزاری رویداد بزرگ فرهنگی و هنری برای شهرداری و بازخورد مطلوب آن، بنده توسط معاونت فرهنگی وقت مترو دعوت به برگزاری رویداد فرهنگی و هنری مترو شدم با این پیش‌شرط که شرکت‌کنندگان از شاخص‌ترین‌های رشته‌های تجسمی باشند. همین هم شد. ما دعوت من، هفت نفر از برجستان حوزه تجسمی که برخی از آنها فاصله معناداری را با دولت حفظ می‌کردند، به احترام من این مسئولیتی را پذیرفتند. با دعوت آنها، مجموع شرکت‌کنندگان در این رویداد به ۱۱۸ نفر رسید.

قوله دال بودند که در عرض کمتر از یک ماه با هنرمندان شرکت‌کننده تسویه مالی صورت گیرد. رویداد برگزار شد. بهره‌برداری گسترده تبلیغاتی از آن صورت گرفت. به فاصله یک ماه بعد از آن و با آمدن آقای زاکانی، مدیران شهری یک به یک عوض شدند. همه هم می‌دانیم در این سال‌ها هر مدیر جدیدی که بست و مقامی می‌گیرد، اصرار دارد که رویداد فرهنگی و هنری مترو برگزار شود. این دامن رویداد مترو را هم گرفت. مدیران جدید منکر برگزاری چنین رویدادی شدند. با وجود قرارداد، دستمان به جایی نرسید. هنرمندان به اعتبار نام معتبر دیربان و آنها نیز با تکیه بر اسم من، این مسئولیت را پذیرفته بودند. بسیاری با هزینه شخصی، مواد و مصالح خریدند چراکه به آنها گفته شده بود تسویه به یک ماه هم نمی‌کشد. در این مدت طولانی و پیگیری‌های مستمر من و دوستان دیگر، کارکنی‌های بسیاری صورت گرفت؛ از انکار برگزاری تا ادعای نبود قرارداد و ندانن درخواست‌های مترو به شرکت‌پایام‌رسان شهرداری، تا موارد بسیاری که قصد ندارم به آنها پردازم. با پیگیری‌های من و دوست حسابدار حرفه‌ای، نامه درخواست مترو، قرارداد و مدارک دیگری که انکار می‌شد، یکی پس از دیگری یافت شد. با پیگیری‌های فراوان و نامه‌های متعدد من و همکاران دیگر، سرانجام به پرداخت بخشی از این مبلغ رضایت دادند اما ما معترض و در دالان‌های مترو سرگردان شدیم. در این مقطع یک سال از برگزاری رویداد مترو گذشته بود. دوباره پیگیر شدیم و با ده‌ها تفرات، بالاخره دوستان مترو را راضی به پرداخت کردیم. اما حالا ما‌ها از این مجوز پرداخت می‌گذرد و

کماکان ریالی پرداخت نشده است. فشار روحی و روانی مقروض بودن به ۱۱۸ نفر از معتبرترین اسامی هنری کشور، باعث شد تا برخی از ما از جیب خودمان و برخی دیگر با قرض‌گرفتن مبلغی، پول تعدادی از شرکت‌کننده‌ها را پرداخت کردیم. ارزش پولی که نزدیک به دو سال پیش باید به هنرمندان پرداخت می‌کردیم، با گذشت این زمان طولانی به بیش از نصف و شاید هم کمتر کاهش پیدا کرده است و هر روز هم از ارزش آن کاسته می‌شود. ضربه‌ای که مترو به رابطه شهرداری با هنرمندان طرز اول کشور زد، هیچ جای دیگری نمی‌توانست برزد. بدین‌سان این تعداد قابل توجه هنرمندان با دنبال‌کننده‌هایی که تحت تأثیر آنها هستند برای همیشه به هر آنچه شهرداری قصد انجامش را دارد و خواهد داشت بدین شدند. لطمه بزرگی به اعتبار من و هفت دیگر دعوت‌شده از جانب من زده شد. به دلیل برخورد نسنجیده افراد دخیل در این ارتباط، همه ضرر کردیم. می‌دانیم و می‌دانید که در این ساختار مدیریتی نته‌ها این لطمات دیده نمی‌شود، چه‌بسا که مورد تشویق هم قرار بگیرد. در این چرخه بی‌نتیجه سادیتان هم به جایی نمی‌رسد و بعد از این همه دوندگی و بی‌نتیجه‌بودن، شما اگر آرام‌ترین و صلح‌طلب‌ترین آدم روی زمین هم باشید، به یک معترض تمام‌عیار تبدیل می‌شوید. واکاوی جزئیات برخورد با هنرمندان در این مورد مشخص را به موارد دیگر بسط دهید و ببینید که چگونه می‌شود با بی‌تدبیری، این همه مخالف برای خودمان بتراشیم و بعد از آن کارخانه در معرض خطر قرار دارد.

است. در ماه‌های اخیر کارکنان این مجموعه جمععاتی را در راستای تعیین تکلیف وضعیت کنونی کارخانه داشته‌اند، ولی همچنان مطالبات آنها بی‌پاسخ مانده است.

داشته باشد. هرچند به مراتب وقتی بچه‌های گمنام‌تر درگیر می‌شدند، اتفاقاً پیگیری بیشتری انجام می‌شد، زیرا اغلب از نظر سنی جوان‌تر هستند و می‌دانستیم هر یک روزی که کمتر در بازداشت باشند، عواقب کمتری برای جامعه، خود و خانواده‌های‌شان خواهد داشت.» او با اشاره به اینکه تأمین وثیقه برای آزادی هنرمندان بازداشت‌شده یکی از مهم‌ترین مشکلات کارگروه پیگیری بود، افزود: «در جلساتی که با معاونان قوه قضائیه یا دادستانی برگزار شد، یکی از مواردی که مطرح شد، میزان وثیقه‌ها بود که گاه خیلی سنگین بوده و به نظر می‌رسید با اتهام وارده تناسب چندانی نداشته یا اینکه از حوزه توانایی خانواده خارج باشد، به طوری که در چندین مورد خانواده‌ها امکان تأمین وثیقه‌ها را نداشتند و شرایط‌شان آنچنان بود که باید برای تأمین وثیقه چاره‌ای اندیشیده می‌شد.»

هنرمندان همراه کمیته

دادویی با ابراز قدردانی از هنرمندانی که در این مدت به طرق مختلف در کنار کارگروه پیگیری بوده‌اند، افزود: «در بسیاری از جلسات و دیدار و ملاقات‌ها، بعضی از دوستان مترمنم به پیشنهاد و ابراز تمایل خودشان یا به دعوت ما حضور داشتند. حتی بعضی اوقات که میزان وثیقه‌ها از توان فرد یا خانواده خارج بوده است، برخی از همین دوستان کارگروه یا هنرمندان چون رامید جوان که شادی تمایلی به ذکر نام‌شان نداشته باشند، تأمین کرده‌اند. عزیزانی مانند شهاب حسینی، رضا کیانیان، علی دهکردی، همایون اسعدیان، مهتاب نصیریپور و… نیز خیلی پای کار بودند و با احساس مسئولیت‌پذیری بسیار در جلسات مختلفی حضور داشته‌اند.» او ضمن تشکر ویژه از همراهی دلسوزانه مهدی کوهیان و علیرضا حسینی در کارگروه مشترک، از سایر اعضای کارگروه خانه تئاتر شامل شهرام احمدزاده، سعید ذهنی و آرام محضری قدردانی کرد. دادویی همچنین اضافه کرد که خانم رویا تموریان با منش درخور تقدیر و صبوری و منانت بسیار و خانم ستاره اسکندری با تلاشی زانداولوف، مهربانانه و مستمر در تمام این روزها کنار کارگروه حضور داشتند و از هیچ تلاشی دریغ نکردند و حضورشان موجب اعتماد بوده است. دادویی خاطر نشان کرد: «چند دوستی که نام بردم، خیلی زحمت کشیدند و در جلسات خیلی طولانی و پیچیده‌ای حضور داشتند. عموماً وقتن به جلسات یا حضور در دادگاه و… با اضطراب فراوان همراه بود و بازگشت از آنجا گاه با خوشحالی همراه می‌شد و گاهی هم با دلشوره و نگرانی ولی در کل روزگار خیلیی سخت و عجیبی بود که تجربه‌اش تا پیش از این برای ما غیرقابل‌تصور بود. در هر صورت، کسانی واقعا پای این کار ایستادند، بدون اینکه تمایل داشته باشند جایی نامی از آنان برده شود.» دادویی همچنین از تلاش‌های ایرج راد و مقصود نعیمی‌ذاکر از هیئت‌مدیره خانه تئاتر، حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی و محمدمهدی عسگریپور از خانه سینما هم قدردانی کرد. علاوه بر اینها، هنرمندانی همچون مستانه مهاجر، امیر جعفری، ریما رامین‌فر، بانته‌آ پناهی‌ها، نوید محمدرزاه، فرینا کوثری، اصغر دستئی و بسیاری دیگر که همراهی داشتند.